

قتل عمد در حالت هیجانان روحی در فقه و حقوق کیفری ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۶/۱۵)

دکتر میرحیدر میرنقی زاده^۱*

دکتری حقوق خصوصی و قاضی دادگستری

علی کوچک بیگی**

اکبر صفری***

پژوهشگر و مولف کتب حقوقی

چکیده

قتل عمد (Murder) و نقش آن در تعیین مجازات فاعل قتل یک اصل اساسی و انکار ناپذیر است. همچنان که اکثر قتل‌ها از روی هیجانان و احساسات عاطفی به وقوع می‌پیوندد و عامل مهمی در تعیین مجازات فرد می‌باشد لذا آشنایی با تاثیر هیجان و اضطراب روحی در تعیین مجازات و مطالعه موردی آن اهمیت فراوانی دارد. در این مقاله سعی شده است ضمن بیان مفاهیم و مهم‌ترین مصادیق قتل‌های عمدی در حالت هیجانان روح (Soul excitement) با واکاوی حقوق کیفری ایران و پس از بررسی نقش هیجان و اضطراب در قتل‌های عمدی با محوریت تحلیل ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (قتل در فراش "Murder in the march")، از بعد فقهی و حقوقی و ارائه راهکارها و پیشنهادات، نشان داده شود که هیجان روحی در به وقوع پیوستن قتل عمدی پدیده‌ای است با موارد گوناگون. این نوشتار در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که آیا هیجانان روحی در تعیین مجازات فاعل قتل تا چه حد مسئولیت کیفری را زایل می‌کند و گستره چتر حمایتی مقنن چه میزان از مرتکبین قتل‌های عمدی در هیجانان روحی را دربرمی‌گیرد. با توجه به روند رو به رشد آمارهای موجود در مورد قتل‌های این چنینی در جامعه و تناقضات و تعارضات در مبانی قانونی؛ ضرورت پرداختن به این موضوع دو چندان به نظر می‌رسد. از این رو مقاله پیش رو می‌کوشد هر یک از این پاسخ‌ها را بررسی کند.

واژگان کلیدی: قتل عمد، هیجان و اضطراب روحی، قصد، انگیزه، قتل در فراش.

^۱نویسنده مسئول



بخش اول : کلیات

دین مبین اسلام تنها راه آشکار و برنامه‌ی روشن و کامل آسمانی است که در همه‌ی شئون زندگی برای تمامی مردم جهان مقرر شده است. از نظر اسلام قتل یکی از بزرگترین گناهان است که حرمت آن در قرآن مجید در موارد مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال در آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی نساء می‌فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ لَهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَرِهَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد، مجازاتش آتش جهنم است که در آن به صورت جاوید معذب خواهد بود، خدا بر او خشم و لعن کند و عذابی بسیار شدید مهیا سازد. در ماده‌ی ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، قتل نفس بر سه نوع است: عمد، شبه عمد و خطای محض. با این که خداوند در قرآن کریم، قتل عمد را نکوهش کرده و بر فاعل آن مجازات سخت وعده داده و مجازات ذنبوی «قصاص» مقرر کرده است اما گاهی عواملی، قتل عمد را جایز می‌شمارند که از جمله عمده‌ترین آن، عامل هیجانات و اضطراب است. با این توضیحات، موضوع مقاله پیش رو را اختصاص به «قتل عمد در حالت هیجانات روحی» داده و سعی نموده ایم تا با علاقه‌ای که نسبت به موضوع داشته با تمام دقت نظر ضمن آوردن قوانین و مقررات موضوعه، رویه قضایی، منابع فقهی و نظرات حقوقدانان؛ بعضاً شریعت و قوانین موضوعه را بررسی نموده و در هر مبحث سؤالاتی طرح گردیده و پاسخ سؤالات را با استناد به مواد قانونی و شریعت پاسخ داده و نیم‌نگاهی به رویه قضایی ایران داشته باشیم. «قتل عمد در حالت هیجانات روحی» موجب قصاص است اما بر این اصل استثنائاتی وارد است که در برخی موارد رافع مسئولیت کیفری است که مشروحاً در فصول آتی متن مقاله بررسی می‌شود. قبل از هر چیز باید اذعان نمود که یکی از مصادیق بارز قتل عمد در حالت هیجان و اضطراب، قتل‌های خانوادگی می‌باشد. اکثر قوانین وضعی برای قتل‌های خانوادگی به سبب اهمیت و ضرورتی که دارد، بخش خاصی اختصاص داده‌اند که گاهی به آن، دفاع از ناموس به هنگام «زنا» گفته می‌شود. هم‌چنین لازم دیدیم که به هنگام پرداختن به موضوع تحقیق، روش شریعت و قانون را با یکدیگر مقایسه کرده و بهترین رأی را انتخاب کنیم. آن چه در توان داشتیم، در گردآوری متون فقهی و قوانین وضعی به حد امکان صرف کردیم تا



نظریه ی قتل عمد در حالت اضطراب روحی را بررسی کنیم به امید آن که حتی المقدور این پژوهش در زمینه ی علم حقوق جزا مؤثر واقع گردد.

بند اول : تعاریف مفاهیم خاص

✓ قتل عمد

✓ قتل عمد در حالت هیجان روحی

الف - قتل عمد هنگامی محقق می شود که شخص بالغ و عاقل، آهنگ کشتن دیگری را کند. برای عمدی محسوب شدن جرم، مرتکب باید هم عمد در فعل و هم قصد نتیجه را داشته باشد (عامدا فی فعله، عامدا فی قصده) و با فقدان هر یک از این دو، جرم ارتكابی عمدی محسوب نخواهد شد. برای تحقق عمد در فعل، مرتکب باید رفتار مجرمانه را از روی اراده و اختیار بر روی انسان مورد نظر انجام داده باشد، نه اینکه بر اثر عواملی (مثل جنون، مستی، اجبار و هیپنوتیزم) هیچ گونه اراده ای در ارتكاب رفتار مجرمانه نداشته باشد؛ یا از انسان بودن آنچه که مورد اصابت قرار می دهد ناآگاه بوده باشد، در هیچ یک از این حالات، جرم مرتکب عمدی محسوب نخواهد شد. مورد اخیر الذکر را می توان از بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی استنباط کرد^۱

ب - قتل عمد آن است که فاعل، قصد قتل داشته باشد و قتل رابه همان نحوی که قصد کرده است، واقع سازد.

ج - (جزا) قتل از روی قصد و اراده را گویند^۲.

در مقام تعریف قتل عمد در حالت هیجان روحی باید گفت در لابلای کتاب های فقهی و حقوقی، که مورد بررسی قرار گرفت تعریفی از قتل عمد در حالت هیجان روحی به دست نیامد. تنها در مقالات حقوقی دکتر حسین نجفی ابرند آبادی^۳، قتل عمد در حالت هیجان

۱- حقوق کیفری اختصاصی یک، جرایم علیه اشخاص، حسین میرمحمدصادقی، ص ۱۰۴، چاپ سیزدهم، نشر میزان، پاییز

۱۳۹۲

۲- ترمینولوژی حقوق، دکتر جعفری لنگرودی، ص ۵۲۸، شماره ی ۴۱۸۷، گنج دانش، ۱۳۸۸

۳- جزوات جرم شناسی، نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸





روحي تحت عنوان «قتل خانوادگی» به صورت زیر تعریف شده است: «در حالت کلی به قتل هایی که در یک خانواده با روابط خویشاوندی سببی و نسبی نزدیک واقع می شود به نحوی که یکی از اعضاء اقدام به کشتن عضو دیگری می نماید قتل خانوادگی می گویند». غالب ترین مصادیق این قتل ها، قتل زن توسط شوهر و برعکس است که از قتل های خانوادگی با آمار بالا محسوب می شود^۱ و از نظر عرفی و لغوی به محض طرح قتل خانوادگی، این نوع قتل (قتل عمد در حالت هیجان و اضطراب و خشم) به ذهن متبادر می گردد.

الف - آیا برانگیخته شدن هیجانات روحی همیشه جواز ارتکاب جرم (قتل) است؟ اگر انسان با وجود ادراک و اختیار مرتکب جرمی شود، گرچه آن جرم را تحت تأثیر عاطفه یا احساس قوی انجام داده باشد، خواه آن عاطفه از عواطف خوب باشد و یا از عواطف پست، از نظر کیفری مسئول است. بنابراین اگر شخصی تحت تأثیر حب انتقام یا تنفر شدید مرتکب قتل شود و یا علاقه ی شدید به کسی موجب شود که برای خلاصی وی از درد او را به قتل برساند^۲، در مقابل قتلی که انجام داده، مسئولیت دارد. پس عواطف انسان به هر اندازه از قوت هم برسد، نسبت به مسئولیت کیفری اثری ندارد، و در شریعت گاهی عاطفه تنها در صورتی که مجازات از نوع مجازات تعزیری باشد اثر دارد، ولی اگر مجازات از نوع حد باشد، اثری در مسئولیت و مجازات ندارد. ولی در این اصل استثنایی وارد شده و آن این که، ماده ی ۶۳۰ ق.م.ا قتل عمد در حالت هیجان روحی را مشروط به شرایطی مباح و جایز می داند که مواد مزبور به طور مبسوط در بخش مجزا، بحث خواهد شد. از نظر شریعت؛ غضب شدید، هیجان و اضطراب مجوز ارتکاب جرم و مانع از مسئولیت کیفری به حساب نمی آید، فقط در صورتی که مجازات از نوع مجازات تعزیری باشد، نسبت به مجازات اثر دارد. بنابراین، اگر مجازات از نوع حد^۳ باشد، این دو حالت از جهت مجازات بی تأثیر خواهند بود.

البته ترس شدید از تجاوز گاهی مسئولیت کیفری را بر می دارد، و آن در صورتی است که انسان در حالت دفاع مشروع یا اکراه باشد. بررسی دفاع مشروع و نظریات مربوط به آن در این

۴- قتل در فراش، آرش کامران لو، پایگاه نشر مقالات حقوقی

۲- زمینه ی حقوق جزای عمومی، رضا نوربها، ص ۲۸۹، چاپ بیست و پنجم، گنج دانش، ۱۳۸۸

مختصر مقدور نیست. بعضی از فقها معتقدند که چنان چه شخص، زانی غیر محصن را در حال اشتغال به زنا به قتل برساند مجازات نمی شود؛ زیرا چنین شخصی در حالت اضطراب و هیجان بوده است. لکن نظر راجع این است که علت چنین قتلی تغییر منکر است و کسی که به تغییر منکر می پردازد واجبی را که بر عهده اش بوده است انجام می دهد. بنابراین چنین عملی برای او جایز است.^۱ این ها از دیدگاه اسلام، اثر عواطف قوی بر مسئولیت کیفری بوده و طبق قاعده عمومی در قوانین موضوعه عواطف و هیجانات به هر اندازه نیرومند باشند نسبت به مسئولیت کیفری اثر ندارند، ولی گاهی به صلاحدید قاضی می توانند به عنوان عذر برای تخفیف مجازات مطرح شوند. به علاوه بعضی از قوانین، مثل قانون فرانسه حالت اضطراب را عذر قانونی تلقی می کنند، زیرا طبق قانون فرانسه، وجود حالت اضطراب در جرایم قتل و ضرب، عذر قانونی محسوب می شود، و همین طور قانون مصر اشتغال به زنا را برای شوهری که همسر خود و زانی را می کشد، عذر می داند. نتیجه می گیریم که شریعت و قانون، هیجان و عواطف را هر چند قوی هم باشند از معاذیر قانونی و معاذیر تخفیف دهنده به شمار نمی آورند ولی گاهی مجازات از نوع تعزیری باشد این عوامل (هیجان و اضطراب روحی) از موارد تخفیف دهنده ی مجازات به شمار می آیند اما این عوامل در جرایمی که از نوع حد باشد به هیچ وجه از عذر قانونی محسوب نمی شوند اما شارع مقدس و هم چنین قانون گذار اکثر کشورها بر این اصل استثنائاتی وارد کرده اند که تحت شرایطی از موارد سقوط مجازات می باشند که این شرایط نسبت به تصمیم مقنن کشورها متفاوت می باشد، حال مقنن جمهوری اسلامی ایران نیز مشروط به شرایطی هیجانات روحی شخص را که در به وقوع پیوستن قتل سهم عمده ای دارند مورد توجه قرار داده که « که بند ث ماده ۳۰۲ و ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی » توجیه کننده ی آن می باشد. بسیاری از قتل های عمدی در حالت هیجانات روحی با انگیزه های مختلفی (شرافتمندانه - شرورانه) انجام می شوند، حال باید دید انگیزه در این قتل ها در چه شرایطی مجوز قانونی برای جرم محسوب می شوند و در چه مواردی تأثیری در تحقق جرم ندارند برای



۲- تبصرة الحکام، ج ۲، ص ۱۶۹/ البحر الرائق، ج ۵، ص ۴۰-۴۱/ المغنی، ج ۱۰، ص ۳۵۳ به بعد

پاسخ به سؤالات فوق، به ناچار باید قصد و انگیزه را با یکدیگر مقایسه کرده و تأثیر انگیزه در قتل عمد را در حالت هیجانان روحی در قانون مجازات اسلامی ایران تشریح کنیم.

بند دوم: شناخت و بررسی قصد و انگیزه

شریعت از روز وجودش، بین قصد و انگیزه یعنی بین قصد عصیان^۱ و بین انگیزه هایی که مجرم را به عصیان وا می دارد، فرق گذاشته است؛ برای انگیزه ی ارتکاب جرم هیچ گونه تأثیری در تحقق جرم یا بر مجازات تعیین شده برای آن قائل نشده است. پس در شریعت، شریف بودن انگیزه مانند قتل برای انتقام یا انتقام برای عرض و ناموس و یا پست بودن آن مانند قتل برای گرفتن اجرت یا برای سرقت یکسان است. پس انگیزه ی جرم، ارتباطی با تعمد مجرم در ارتکاب جرم ندارد، و نیز هیچ گونه تأثیری در تکوین جرم یا مجازات آن ندارد. اگرچه عدم تأثیر انگیزه در ایجاد جرم یا در مجازات جرایم حدود، قصاص و دیه، در عمل ممکن است ولی در مجازات های تعزیری عملاً ممکن نیست، چون انگیزه هر چه که باشد هرگز در طبیعت فعل تشکیل دهنده ی جرم مؤثر نیست و شارع نیز اختیار قاضی را در مجازات های حدود و قصاص به نحوی محدود نموده است، که نمی تواند هیچ گونه اعتباری را بر انگیزه ها قرار دهد. اما در تعزیرات شارع حق اعتبار دادن انگیزه ها را در انتخاب مجازات و مقدار آن به قاضی داده است بنابراین انگیزه از جهت عملی در مجازات های تعزیری مؤثر است و در غیر این مجازات ها اثری ندارد، و این بدان علت است که مجازات های جرایم تعزیری معین نیست، و قاضی در آن مجازات ها دارای آزادی وسیعی است قاضی حق دارد که نوع مجازات را انتخاب و مقدار آن را تعیین نماید بنابراین اگر قاضی با توجه به انگیزه ها مجازات را تخفیف یا تشدید نماید، در محدوده ی حق خود عمل کرده و از محدوده ی اختیار خود خارج نشده است. اما مجازات های جرایم حدود و قصاص معین یعنی مشخص است و قاضی حق کم و زیاد کردن آن را ندارد و انگیزه ی جرم هر چه که باشد بر او واجب است. به این مجازات ها حکم کند، پس مجازات تغییر نمی کند، خواه انگیزه ی او شریف باشد یا پست.

۱- قصد عصیان همان چیزی است که امروزه آن را در اصطلاح حقوقی قصد مجرمانه می نامیم عبارت است از قصد انجام فعل ممنوع یا قصد ترک فعل واجب، با علم به این که قانون گذار آن را ممنوع یا واجب نموده است.



برای تفهیم مطالب فوق مثالی را بیان می کنیم. «شخصی از محلی رد می شود که در آن هنگام صحنه ای را می بیند که فردی با آلت کشنده (قداره - اسلحه) فرزند آنرا تهدید می کند که آن حرکت نوعاً کشنده است. در این میان شخص برای نجات جان فرزند خود متوسل به دفاع می شود که تحت تأثیر هیجانات روحی قرار می گیرد و نتیجتاً عمل شخص منجر به مرگ متجاوز می شود» پدر (قاتل) با این که انگیزه ی شریف داشته ولی چون عمل ارتكابی شخص قتل است و جزء مجازات های حدود و قصاص است، در نتیجه انگیزه ی قاتل و همچنین هیجانات روحی و اضطراب موجود هیچ گونه تأثیری در مجازات تعیین شده که «قصاص» می باشد ندارد دلیل این هم که ریشه ی فقهی دارد این است که چون شریعت، در جرایم مهم مصلحت اجتماع را فوق هر اعتباری قرار داده و به قاضی اجازه نمی دهد که بین این مصلحت و آن مصلحت جانی، یکی را به اختیار خود ترجیح دهد، زیرا معنی این عمل کوچک شمردن مصلحت عمومی در مقابل عواطف و امیال شخصی است لذا براساس توضیحات فوق که از روی شریعت و نصّ قانونی اقتباس شده می توان چنین نتیجه گرفت که هیجان و اضطراب روحی در مجازات های جرایم حدود و قصاص هیچ گونه عذر قانونی محسوب نمی شوند ولی به اتفاق نظر شارع مقدس و قانونگذار قتل در فراش که هیجان روحی در به وقوع پیوستن قتل سهم عمده ای دارد در مواقعی از موارد سقوط مجازات به شمار می آید.

۳۵



اکثر قوانین وضعی در این مسئله با شریعت موافقت دارند و بین انگیزه و قصد مجرمانه تفکیک قائل اند، این قوانین نیز مثل یک قاعده ی عمومی برای انگیزه در تشکیل جرم یا مجازات های آن، اثری قرار نمی دهند ولی علی رغم این انگیزه از جهت عملی در تعیین مجازات مؤثر است چون قاضی می تواند از بین پایین ترین و بالاترین حد، مجازات مناسب را تعیین کند و در بیشتر حالت ها، حق اختیار یکی از دو مجازات را داراست و او مطابق آن چه که مجرم را مستحق آن بداند مجازات را اختیار و مقدار آن را تعیین می کند. در تعیین مجازات، اوضاع و احوال جرم و مجرم و انگیزه هایی که وی را به ارتكاب جرم واداشته است، را در نظر می گیرد و در صورتی که مجرم را مستحق تخفیف بداند در مجازات تخفیف و اگر وی را مستحق تشدید شناخت، مجازات او را تشدید می کند.



بنابراین معنی انگیزه از جهت عملی در مجازات مؤثر خواهد بود و این روش قانون ایران است که قانون فرانسه و قانون مصر نیز از آن پیروی می‌کند. باید توجه داشت که انگیزه از جهت عملی در تعیین مجازات حد که از طریق تعیین پایین‌ترین و بالاترین حد توسط قاضی، مؤثر است ولی این قاعده در مجازات قصاص جایگاهی ندارد. مگر در دو مورد که در قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران آن هم استثنا است^۱. به علاوه بعضی از قوانین مانند قانون ایتالیا و بولونی^۲ انگیزه را عامل تخفیف دهنده یا تشدید کننده مجازات می‌شمارند و قاضی ملزم به رعایت انگیزه در تعیین مجازات است. این قوانین اگرچه به این معنی معترفند که از جهت قانونی، انگیزه در مجازات مؤثر است، ولی از جهت عملی به نتایجی نمی‌رسند که بیشتر از نتایجی باشد که قوانین غیر معترف به انگیزه از جهت نظری می‌رسند، زیرا عملاً قاضی نمی‌تواند به طور دائم انگیزه را در تعیین مجازات اعتبار دهد، خواه قانون‌گذار به انگیزه‌ها اعتبار داده یا نداده باشد. بنابراین، فرق بین شریعت و قوانین وضعی در این است که شریعت انگیزه را ملاک قرار نداده و در جرایم بزرگی که مربوط به اجتماع و نظام آن است، یعنی جرایم حدود و قصاص، برای آن اثری قرار نداده است؛ اما در غیر این جرایم، اگرچه شریعت انگیزه را از جهت نظری ملاک قرار نداده ولی قاضی را از اعتبار دادن به انگیزه از جهت عملی، منع نمی‌کند. بیشتر قوانین در مورد انگیزه کلامی ذکر نکرده و از جهت نظری آن را پذیرفته‌اند، ولی قاضی را در عمل از توجه به انگیزه‌ها، به طور مساوی در تمامی جرایم کوچک و بزرگ منع نمی‌کند و شکی نیست که روش شریعت سالم‌تر و بهتر است. چون شریعت در جرایم مهم از جمله قتل عمد، مصلحت اجتماع را فوق هر اعتباری قرار داده و به قاضی، اجازه نمی‌دهد که بین این مصلحت و مصلحت جانی، یکی را به اختیار خود ترجیح دهد، زیرا معنی این عمل، کوچک شمردن مصلحت عمومی در مقابل هیجانان و امیال است، با توجه به این که موضوع مقاله حاضر قتل عمد در حالت هیجانان روحی است و هم‌چنان که

۱- تنها مواردی که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی در خصوص قتل عمد در حالت هیجانان را مورد توجه و از موارد سقوط قصاص قرار داده مواد ۳۰۲ و ۶۳۰ ق.م.ا است که در جای خود در بخش جداگانه‌ای بحث خواهد شد.

۲- قانون جنایی، علی بدوی، ص ۳۴۰ به بعد

در ابتدای بحث، گفتیم قتل های مذکور با انگیزه های مختلفی (شرافتمندانه، شرورانه) انجام می شوند. نظر به این که حکم موضوع قتل عمد در حالت هیجانان روحی و تأثیر انگیزه در تعیین مجازات در قانون مجازات اسلامی مبهم می باشد، لذا به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و با توجه به فتاوی مراجع عظام تقلید از جمله حضرات آیات ناصر مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی، در این مورد انگیزه را در تعیین مجازات مؤثر نمی دانند که اجمالاً در ذیل آورده می شود:

شاید بپرسید آیا انگیزه در قتل عمد و مجازات آن تأثیر دارد یا نه؟ بدین معنا که اگر شخصی با انگیزه ی شرافتمندانه اقدام به قتل کسی کند با کسی که به انگیزه ی شرورانه مرتکب قتل شده است برابر است؟

در جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات انگیزه در ماهیت عمل مجرمانه تأثیری ندارد ولی در مجازات های تعزیری ممکن است که انگیزه ی شرافتمندانه از عوامل مخففه ی مجازات باشد.

بخش دوم: بررسی قتل های خانوادگی، مفاهیم و مصادیق

شایع ترین و بارزترین مصادیق قتل های عمدی در حالت هیجانان و اضطراب روحی به اصطلاح امروزی قتل های خانوادگی است. اصطلاح قتل های خانوادگی یک اصطلاح عمومی است که شامل مصادیق متعدد می شود. در زیر به عوامل شایع این گونه قتل ها و بحث حقوقی آن اشاره می شود. در حال کلی به قتل هایی که در یک خانواده با روابط خویشاوندی سببی و نسبی نزدیکی واقع می شود به نحوی که یکی از اعضا اقدام به کشتن عضو دیگری می نماید، قتل های خانوادگی می گویند. غالب ترین مصادیق این قتل ها، قتل فرزند توسط پدر^۱ یا مادر، قتل پدر یا مادر توسط فرزند، قتل زن توسط شوهر^۲ و برعکس، قتل برادر و خواهر به دست همدیگر است. در قتل فرزند توسط پدر عوامل گوناگونی دخالت دارند. شرایط بحرانی روحی و روانی پدر که به خاطر ابتلا به بیماری های روانی و یا تحریکات ناشی از توهمات شیطانی

۱- ماده ی ۳۰۱ ق.م.ا.

۲- ماده ی ۶۳۰ ق.م.ا.





که در اثر وقوع اختلال در شخصیت او ایجاد شده و یا فشارهای طاقت فرسای ناشی از معضلات حاد معیشتی و اقتصادی و ناامیدی از تأمین حداقل ضروریات زندگی، او را شرم‌منده و مأیوس می‌سازند و وی دچار چنان شرایط روحی نامساعد می‌گردد که با توجه غیر منطقی رهایی فرزندان از آینده‌ی شوم، راهی جز قتل آن‌ها را شایسته نمی‌داند و به زعم خویش دچار حالت جنون شده و به قتل فرزند دست می‌زند و یا در گاهی موارد دیده شده پدر در حالت ارتکاب جرمی دیگر قرار دارد و فرزند وی اتفاقی شاهد ماجرا می‌باشد و برای سرپوش گذاشتن بر ارتکاب آن جرم و مخفی گذاشتن آن، فرزند خویش را از بین می‌برد و در برخی موارد فرزند مرتکب عملی شده که آبروی خانواده در اجتماع با خطر مواجه می‌شود، مثلاً فرزند درگیر مواد مخدر یا مشکلات جنسی و باندهای کثیف تبهکاری گردیده این جاست که پدر یا مادر، فرزند را مایه‌ی ننگ خانواده‌ی خود دانسته و از بین هزاران راه‌ها، راه کشتن فرزند را بر می‌گزینند، قتل عمدی فرزند توسط پدر چه فرزند دختر باشد یا پسر، حسب ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مستوجب دیه‌ی مقرر شرعی است و به اصطلاح این مورد از موارد سقوط قصاص است و از طرف دیگر چون پدر به عنوان مجرم در موضوع مطرح است حسب موازین شرعی با موانع ارث برخورد کرده و این دیه که از پدر اخذ می‌شود به سایر اولیای دم غیر از او پرداخت خواهد شد و چون این عمل پدر نظم عمومی جامعه را بر هم زده و بیم‌تجری او بر دیگر افراد جامعه وجود دارد از جهت جنبه‌ی عمومی علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری ۳ تا ۱۰ سال براساس ماده‌ی ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. البته اعمال این مجازات مانع مجازات تکمیلی مندرج در ماده‌ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی (محرومیت از حقوق اجتماعی) نخواهد بود.^۱

از نظر صلاحیت رسیدگی نیز حسب قوانین موجود از جمله قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های کیفری یک به این پرونده‌ها رسیدگی می‌کند.

۱- حقوق جزای عمومی، هوشنگ شامبیاتی، ج ۲، ص ۳۴۲، ۱۳۸۹

قتل فرزند توسط مادر نیز تا حدودی تابع علل فوق می باشد ولی اغلب رهایی فرزندان از شرایط معیشتی نامساعد و عوامل روحی و روانی و اختلالات شدید خانوادگی و اعتیاد در موضوع دخیل هستند، اما در مقایسه با قتل فرزند توسط پدر این نوع قتل، از آمار پایینی برخوردار است و از نظر قوانین شرعی و موضوعی حاکم بر کشور ایران نیز این قتل در صورت عمدی بودن مستوجب قصاص مادر خواهد شد. براساس گزارش سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های بین المللی، قتل ناموسی یا قتل خانوادگی در بسیاری از کشورها گزارش شده است که عمدتاً عنصر «هیجان و اضطراب» چنین قتل هایی را رهبری می نماید. همچنین ضرورتاً مسائل عاطفی، شرمساری، حسادت و یا فشار اجتماعی عامل وقوع این قتل ها نیست. براساس ادعای سازمان غیردولتی عفو بین الملل، عوامل دیگری از قبیل خشونت فزاینده در جامعه به دلیل منازعه و جنگ، دسترسی به سلاح های سنگین، مشکلات اقتصادی و یأس اجتماعی نیز منجر به توسل به قتل ناموسی می شود. (خانواده در اسناد حقوقی بین المللی^۱)

بند اول: تفاوت عمده ی قتل فرزند توسط پدر و مادر

قتل فرزند خواه توسط پدر باشد خواه توسط مادر؛ در هر مورد هیجانانگیز روانی و روحی سبب شده تا قتل اتفاق افتد ولی به عینه مشاهده می شود قانونگذار در این مورد قائل به تفکیک شده است چرا که قتل فرزند توسط پدر را خواه عامداً باشد خواه غیر عامداً مستوجب قصاص نمی داند ولی قتل فرزند توسط مادر به شرطی مستوجب قصاص نیست که غیر عامداً باشد در صورتی که قتل عامداً باشد مادر مستوجب قصاص است.

قتل پدر یا مادر توسط فرزند نیز از قتل های مهم مستوجب قصاص برای فرزند می باشد؛ عواملی از جمله اختلافات شدید خانوادگی و هواخواهی فرزند از یکی از اولیا (پدر یا مادر) و یا اختلافات مالی شدید بین فرزند با یکی از آن ها، یا غوطه ور شدن فرزند در گرداب اعتیاد و عدم توانایی در تأمین مخارج اعتیاد و طرد وی از سوی خانواده، فرزند را به سمت انتقام یا سرقت از پدر و مادر به تصور این که عامل بدبختی وی، آن ها می باشند، سوق می دهد و

۱ - حقوق و تکالیف، دستاوردها و چالش ها، محیاصفاری نیا، انتشارات شهردانش، تهران، ص ۱۳۸، چاپ اول، ۱۳۹۳





اقدام به قتل آن‌ها می‌نماید. گاهی ازدواج مجدد پدر و یا در صورت فقدان پدر از سوی مادر یا برقراری روابط نامشروع مادر با دیگر افراد انگیزه‌ی قتل آن‌ها را در فرزند تقویت می‌کند. ابتلای پدر یا مادر به بیماری‌های صعب‌العلاج که با ایجاد شرایط سخت برای فرزندان همراه است و هم‌فرصت و مکان‌نگهداری آن‌ها و هم‌هزینه‌ی درمان آن‌ها شرایط را غیر قابل تحمل برای فرزند نموده و فرزند گاهی برای رهایی خود از شرایط بد مالی دست به این اقدام زده و یا گاهی برای رهایی پدر و مادرش از آلام و دردهای بیماری، به قتل آن‌ها دست می‌زند که به قتل با این انگیزه، اتانازی می‌گویند.^۱ قتل از روی ترحم در حقوق ایران به رسمیت شناخته نشده است و در زمره‌ی قتل‌های مستوجب قصاص است. در یک تقسیم‌بندی کلی اتانازی را می‌توان به اتانازی‌ی مستقیم و اتانازی‌ی غیر مستقیم تقسیم کرد.^۲ البته بحث در خصوص اتانازی و قتل از روی ترحم و بررسی آرا و نظرات فقها و حقوقدانان به مطالعه و تحقیق بیشتری نیاز دارد که از حوصله‌ی این بحث خارج است.

بند دوم: رایج‌ترین قتل خانوادگی، قتل زن توسط شوهر یا برعکس

قتل زن توسط شوهر یا برعکس آن از قتل‌های خانوادگی با آمار بالا محسوب می‌شود. از نظر عرض و لغوی نیز به محض طرح قتل خانوادگی، این نوع قتل متبادر به ذهن می‌گردد و در واقع رایج‌ترین نوع قتل خانوادگی است؛ در قتل زن توسط شوهر انگیزه‌ها و عواملی چون فقر و شرایط بد اقتصادی و اختلافات شدید خانوادگی توأم با خشونت و کتک‌کاری و تفاوت‌های بارز فرهنگی و عقیدتی میان زن و شوهر و عدم تقید به اصول و موازین شرعی و عدم رعایت ارزش‌هایی چون حجاب و روابط اجتماعی توأم با متانت توسط زن و یا روابط نامشروع زن با مرد اجنبی و عدم توجه به تعهدات ناشی از ازدواج و لجبازی طرفین به نحوی که غرور کاذب مانع پذیرش تقاضای قانونی و منطقی طرف مقابل می‌شود و این لجبازی تا جایی پیش می‌رود که به صورت مرموز و ناخودآگاه طرف مقابل را در شرایط تحریک‌آمیز و عصبانیت قرار داده و داشتن انتظارات بیش از حد اقتصادی زن با وجود اطلاع از وضعیت

۱- زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، رضا نوربها، جلد اول، انتشارات کتابخانه‌ی گنج دانش، ص ۲۸۹، سال ۱۳۸۸

۲- مسئولیت پزشکی در فقه و حقوق کیفری ایران، مهدی نجاتی، ص ۱۳۹، چاپ اول، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹

درآمدی شوهر که اکثراً به خاطر چشم و هم چشمی های کورکورانه به وجود آمده آستانه ی تحمل طرفین به خصوص شوهر پایین آمده و بهداشت روانی آن ها کاملاً از بین می رود و با کوچک ترین تلنگری حالت تدافعی و خشونت به خود می گیرد و حتی این بی صبری به خارج از منزل و به جامعه هم کشیده می شود و این کاهش آستانه ی تحمل، باعث درگیری های مداوم و در نهایت قتل های آنی و بدون طرح و نقشه ی قبلی و یا حتی گاهی با نیت قبلی رخ می دهد که نتیجه ی آن احساسات و هیجانات روحی فرد بر عقل غالب می شود و قتل عمد در حالت هیجان روحی رخ می دهد که از آن به قتل های خانوادگی و ناموسی یاد می کنند.

بند سوم: علل اصلی قتل زن توسط شوهر

البته آمارها حکایت از این مسئله دارد که اعتیاد و خیانت زن به شوهر و برقراری روابط نامشروع با فرد اجنبی از علل اصلی این نوع قتل ها است. قتل زن توسط شوهر براساس ماده ی ۶۳۰ ق.م.ا در چه صورتی موجب قصاص است. از نظر قوانین موضوعه این نوع قتل در صورت عمدی بودن مستوجب قصاص است که این قصاص با پرداخت تفاضل دیه از جانب اولیای دم مقتوله به قاتل صورت خواهد گرفت. براساس ماده ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی اگر مرد همسر خویش را در فراش با مرد اجنبی ببیند قصاص و دیه از وی ساقط می شود البته این مهدور الدم بودن مقتولان باید به اثبات برسد. گاهی اوقات فرد کشته شده، اساساً مهدور الدم نبوده ولی به تصور و اعتقاد قاتل او، مهدور الدم است. اگر قاتل اشتباه در اعتقاد خود را در دادگاه ثابت کند قتل عمدی براساس قسمت پایانی ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی تبدیل به شبه عمد شده و تنها دیه ی مقرر شرعی اخذ خواهد شد^۱ (دومین استثنا وارد شده در قانون مجازات اسلامی در خصوص قتل عمد در حالت هیجانات روحی). قتل شوهر توسط زن نیز از قتل های رایج خانوادگی است که اغلب با معاونت یا مشارکت زن و با اجیر شدن فرد یا افراد اجنبی صورت می گیرد این نوع قتل اصولاً ریشه در انحرافات جنسی زن داشته و با تحریک



۱- ماده ۳۰۳ ق.م.ا: اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی {مهدورالدم بودن مقتول} دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده ۳۰۲ نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مخجرات مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می شود.



زن به قتل همسر توسط فرد غریبه صورت می‌گیرد. این نوع قتل‌ها معمولاً از طریق مسموم کردن یا چاقو زدن صورت می‌گیرد و زن اکثراً نقش معاونت را عهده دار است و معمولاً زن بعد از دستگیری متوجه منجلاب اطراف خود می‌شود. این گونه قتل‌ها «قتل شوهر توسط زن» برای قاتل، مجازات قصاص و برای معاون «فرد اجیر کننده - اجنبی» ۳ تا ۱۵ سال حبس تعزیری را به همراه دارد. در قتل برادر یا خواهر توسط همدیگر نیز انگیزه‌هایی چون حسادت و رابطه‌ی نامشروع و اختلافات مالی و اعتیاد و اختلافات خانوادگی دیرینه که منجر به حس انتقام جویی در فرد می‌شود نقش اساسی دارند و این قتل‌ها تابع مقررات قتل یعنی قصاص هستند. اضطراب و هیجان‌ات روحی در به وجود آمدن قتل عمد سهم به‌سزایی دارند که مواد ۳۰۲ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی توجه قانونگذار را به این نشان می‌دهند در بخشی که گذشت مشروحاً ماده‌ی ۳۰۱ و ۳۰۲ ق.م.ا. و شرایط عملی شدن آن بحث شد اما باید توجه داشت که مجاز بودن ارتکاب قتل براساس ماده‌ی ۶۳۰ ق.م.ا. مشروط به وجود شرایطی است و فقط در صورت اجتماع این شرایط، شوهر معاف از مجازات خواهد بود. اکنون در بخش جداگانه‌ای ماده‌ی مزبور را شرح می‌دهیم.

بند چهارم: قتل در فراش براساس ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی

آمارها حکایت از این مسئله دارد که اعتیاد و خیانت زن به شوهر و برقراری روابط نامشروع با فرد غریبه از علل اصلی قتل زن توسط شوهر و برعکس است. از نظر قوانین موضوعه این نوع قتل در صورت عمدی بودن موجب قصاص است که این قصاص با پرداخت تفاضل دیه از جانب اولیای دم مقتوله به قاتل صورت خواهد گرفت. براساس ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی اگر مرد همسر خویش را در فراش با مرد اجنبی ببیند و آن‌ها را به قتل برساند، قصاص و دیه از وی ساقط می‌شود البته این مهدور الدم بودن مقتولان نسبت به شوهر باید با شرایط خاصی به اثبات برسد^۱ که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. از آن‌جا که شارع مقدس کیفر اصلی قتل عمد را قصاص تعیین کرده است، بین قتل‌های ناموسی با دیگر انواع قتل قائل به

۲- قتل در فراش، دکتر محمد جعفر حبیب زاده، ۱۳۸۶

تفکیک نشده است و به این ترتیب رسیدگی به آن و مجازات آن تابع اصول کلی و قواعد عام حاکم بر قتل عمد است. اما بر این قواعد عام به موجب مواد ۳۰۱ و ۶۳۰ ق.م.ا دو استثناء وارد شده است که هر دو مستقیماً از قول اتفاقی فقهای شیعه استخراج شده اند. ۱- قتل فرزند توسط پدر ۲- قتل در فراش اجنبی. در حقیقت می توان ادعا کرد تنها مواردی که به طور غیر مستقیم انواع خاصی از قتل های عمدی در حالت هیجانانگیز روحی موضوع قانون قرار گرفته است همین دو مورد است. ماده ی ۶۳۰ قانون مزبور راجع به قتل در فراش است که هم دارای حکم فقهی است و هم قضایی و موضوع آن در ماده ی ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق نیز مورد حکم قرار گرفته بود، هرچند قانون مجازات اسلامی سال ۶۲ و ۷۰ به این موضوع اشاره ای نداشت اما در مصوبه های بعدی، این ماده به مواد قانون مجازات اسلامی افزوده شد. به موجب ماده ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکروه باشد، فقط می تواند مرد را به قتل برساند. حکم ضرب و جرح نیز در این مورد مانند قتل است.» همان طور که می دانیم این ماده براساس قول مشهور فقها وضع شده است. اصولاً از دیدگاه قانون مجازات اسلامی، ۱۹ مورد سقوط قصاص وجود دارد، برابر ماده ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی و وجود شرایط موجود در آن، قتل در فراش نیز یکی از موارد سقوط قصاص برای مرد است.^۱ قانون گذار در ماده ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی قتل مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا با زن شوهردار و هم چنین قتل زن در صورت تمکین به این عمل را توسط شوهر مجاز دانسته است و به شوهر اجازه داده که به قتل یا ضرب و جرح آنان اقدام کند. اما باید توجه داشت که مجاز بودن ارتکاب قتل در این مورد مشروط به وجود شرایطی است و فقط در صورت اجتماع این شرایط، شوهر معاف از مجازات خواهد بود. شرایط مذکور به شرح زیر است:



۱- حقوق جزای اختصاصی، ایرج گلدوزیان، چاپ هجدهم، ص ۸۷، ۱۳۹۰



۱- وجود علقه ی زوجیت: مقنن حکم این ماده را ناظر به مواردی دانسته است که شخص شاهد ارتکاب زنا توسط همسر خود باشد، بنابراین اگر مردی شاهد زنا ی زن دیگری ولو خواهر، دختر یا مادر خود با مرد اجنبی باشد مجاز به ارتکاب قتل و حتی ضرب و جرح نیست و در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح، حسب مورد مجازات خواهد شد، در حالی که ماده ی ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق، در مورد پدر و برادری که دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی در یک فراش مشاهده می کرد و مرتکب قتل آن ها می شد معافیت نسبی از مجازات قائل بود^۱ که در حال حاضر این معافیت منتهی است. رابطه ی زوجیت با توجه به مقررات مندرج در کتاب هفتم قانون مدنی صورت می گیرد که در این مورد با توجه به اطلاق کلام، منظور از نکاح، نکاح دایم و منقطع است. اگرچه بعضی از حقوقدانان این حکم را فقط ناظر به عقد دائم می دانند اما در اقوال و گفتار فقها تفاوتی بین دائم یا موقت بودن نکاح وجود ندارد.^۲

۲- مشاهده ی زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر: تأکید ماده ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بر مشاهده ی زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر، دادگاه را مکلف به بررسی این ادعا می کند. یعنی باید آن ها در حال عمل زنا بوده باشند تا قتل انجام شده توسط شوهر مجاز شمرده شود. لذا دیدن فیلم و عکس از واقعه مورد بحث مجوز مشروعیت قتل نیست و رؤیت فیزیکی همسر ملاک است، نه دیگران. در این صورت اثبات وقوع عمل زنا بر عهده ی قاتل (شوهر) است؛ چه بسا شوهر براساس ظن و گمان و تحریکات دیگران، زن را به قتل برساند که اصلاً مشروعیت قانونی و فقهی ندارد حال آن که قریب به اتفاق قتل های عمدی که فاعل تحت تأثیر هیجانات روحی قرار گرفته و برخلاف مفاد ماده ی ۶۳۰ ق.م.ا مرتکب جرم می شود. فقها نیز؛ بر شرط این که مرد باید همسر خود را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند اتفاق نظر دارند اما باید توجه داشت که از نظر ایشان اباحه ی ارتکاب قتل توسط شوهر را از مجازات معاف دارد او باید بتواند وقوع عمل زنا را اثبات کند. لذا اگر انجام یافتن عمل زنا

۱- برای مطالعه و آشنایی بیشتر به قانون مجازات عمومی سابق، رجوع کنید.

۲- استفتائاتی از حضرات آیات مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی

قطعی نباشد و براساس شبهه ی مرد باشد، ارتکاب قتل جایز نیست. مثلاً اگر زن و مرد اجنبی دارای پوشش متعارف بوده، مشغول انجام اعمال دیگری غیر از زنا مانند مضاجعه و تقبیل و امثالهم باشند به دلیل عدم تحقق شرط (در حال زنا بودن) قتل آن ها طبق قانون مجاز نیست.

۳- ارتکاب قتل در حین مشاهده ی عمل زنا: به موجب ماده ی مذکور شوهر صرفاً بلافاصله بعد از مشاهده ی جرم ارتكابی، حق کشتن دارد و چنان چه در همان زمان اقدام نکند بعد از جدا شدن زن و مرد اجنبی از هم، چنین مجوزی برای او نیست. زن و مرد اجنبی نباید از حالت جماع خارج شده باشند. مفهوم این ماده دلالت بر این امر دارد که فقط زمانی مرد از قصاص معاف است که بلافاصله بعد از دیدن عمل زنا توسط همسر خود با مرد اجنبی اقدام به قتل کند و چنان چه بعد از اتمام عمل و خارج از وقت و محلی که عمل مزبور در حال انجام است مرتکب قتل شود چنین قتلی جنبه ی انتقام دارد و مقنن ارتکاب چنین قتلی را ممنوع می داند، «باتوجه به آمار و ارقام و هم چنین آن چه در عرف معمول است ریشه ی قتل های عمدی در خانواده ها همین اعمال قبیح و زشت افراد خانواده (اشتغال به زنا و انحرافات جنسی) است که این اعمال (زنا) همیشه جدا از ارتکاب جرم نیست بلکه در آن استثنائاتی وجود دارد که برای تفهیم مطلب فوق در بخش سؤالات و پرسش و پاسخ این استثنائات به صورت مبسوط بحث و بررسی خواهد شد.

۴۵



۴- علم شوهر به تمکین زن: برای مجاز بودن مرد در قتل همسر خود علاوه بر شرایط بالا، او باید عالم به تمکین و رضایت زن به عمل زنا توسط مرد اجنبی باشد. این شرط ناشی از آن است که در مباحث فقهی زنا، فقها وجود قصد و اراده را در مرد مفروض می دانند، لکن در مورد زن به احتمال وجوه اکراه از طرف مرد نسبت به زن تفاوت قائلند و لذا در این فرض نیز قائل به لزوم یقین شوهر به تمکین همسر خود برای مجاز قتل او شده اند. احراز این شرط در عالم اثبات دشوار است و برای جلوگیری از معاف بودن قتل هایی که به صرف ظن و گمان واقع می شوند بسیار مهم است. هم چنین در صورت یقین شوهر به مکره بودن زن خود قطعاً کشتن او مجاز نیست و شوهر فقط حق کشتن مرد بیگانه را دارد.

۵- راه های اثبات وجود شرایط قتل مرد اجنبی و زن برای شوهر: هر چند راه های اثبات سخت و دشوار است، اما با توجه به حوادثی که رخ داده است، می توان با توجه به مسائل ذکر شده دلایل را اثبات کرد: الف) اظهارات و اقرار شوهر ب) ارسال ضابطین دادگستری برای بررسی صحنه و تحقیق ج) اظهارات زن (در صورتی که مکره بوده و به قتل نرسیده باشد) د) گواهی پزشکی قانونی.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه موضوع مقاله قتل عمد در حالت هیجانان روحی است نقش هیجان و اضطراب در ارتکاب قتل را بررسی و قصد مجرمانه را با انگیزه مقایسه کردیم و در این خصوص قوانین موضوعه، نظرات فقهی و استفتائات فقها و دکترین حقوقی را بررسی کرده و بهترین رای را برگزیدیم و با توجه به این که قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران براساس فقه و نظر فقهای امامیه تدوین شده است در قانون مزبور در خصوص قتل عمد در حالت هیجانان روحی غیر از مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۶۳۰ ق.م.ا. مواد دیگری وجود ندارد و مواد مزبور خصوصاً ماده ۶۳۰ در مواردی و آن هم تحت شرایطی خاص؛ قتل را مجاز می داند و ارتکاب قتل خارج از چارچوب ماده مزبور جرم تلقی شده و مستوجب قصاص است و از طرفی اکثر اوقات قتل های موجود در جامعه در حالتی اتفاق می افتد که فرد (قاتل) در هیجان روحی قرار گرفته و تحت تاثیر رفتارهای جرم زای مقتول قرار گرفته و نهایتاً مرتکب قتل عمدی می شود که در طول تحقیق با توجه به گستره ی موضوع آن سعی گردید عوامل هیجان و تحریکات روحی و روانی که علل اصلی قتل های این چنینی می باشد را با مصداق های مشخص ترسیم و تعریف نموده و «قتل در فراس» موضوع ماده ۶۳۰ ق.م.ا. به عنوان مصداق بارز قتل عمد در حالت هیجانان روحی کاملاً شرایط شکلی و ماهوی آن به تفصیل آورده شد و تفسیرهای فقهی و حقوقی پیرامون قضیه مانحن فیه جهت روشن شدن شرایط اثباتی آن مورد مذاقه و بررسی قرار گرفت.



منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آنسل (مارک)، دفاع اجتماعی، ترجمه ی دکتر محمد آشوری و دکتر علی نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، نشر راهنما، تهران، ۱۳۶۶
- ۳- العطار (داوود)، دفاع مشروع در حقوق جزای اسلام، ترجمه ی اکبر غفوری، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵
- ۴- جعفری لنگرودی (محمد جعفر)، حقوق اسلام، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۲
- ۵- جعفری لنگرودی (محمد جعفر)، تاریخ حقوق ایران، انتشارات کانون معرفت، چاپ سوم، بدون تاریخ
- ۶- جعفری لنگرودی (محمد جعفر)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۸
- ۷- شامیاتی (هوشنگ)، حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، چاپ شانزدهم، جلد دوم، ۱۳۸۹
- ۸- صفاری نیا (محیا)، خانواده در اسناد حقوقی بین المللی « حقوق و تکالیف، دستاوردها و چالش ها»، انتشارات شهردانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۹- عوده (عبدالقادر)، حقوق جزای اسلامی، مترجمان نعمت الله الفت و ...، جلد دوم، انتشارات میزان، ۱۳۷۳
- ۱۰- گلدوزیان (ایرج)، حقوق جزای اختصاصی، چاپ هجدهم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰
- ۱۱- نوربها (رضا)، زمینه ی حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و پنجم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸
- ۱۲- نجاتی، مهدی، مسئولیت پزشک در فقه و حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۹

